

آدم بهشت ۱۴۰۲ سالرجان

فرارسیدن نوروز باستانی بر هموطنان عزیز گرامی باد

يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ
يَا مُجَوِّدَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ
حَوِّلْنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ



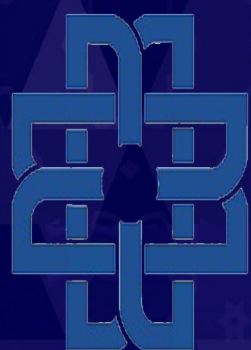
ویژه نامه عید نوروز و ماه مبارک رمضان

صاحب امتیاز : نشریه داخلی دانشجویی

فروردین ۱۴۰۲ / شماره سی و یکم

موسسه آموزش عالی ناصر خسرو

فصلنامه علمی و پژوهشی
نشریه داخلی دانشجویی
موسسه آموزش عالی ناصر خسرو



موسسه آموزش عالی ناصر خسرو
(شعبه دولتی - شهر آصفیه)

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ، وَأَغْلِقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوَابَ النَّارِ،
وَوَقِّفْنِي فِيهِ لَيْلَةَ الْقُرْآنِ، يَا مُنْزِلَ السَّكِينَةِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ

ای خدا در این روز به روی من درهای بهشت ها بگشا، و درهای آتش دوزخ ببند،
و مرا توقفی تلاوت قرآن عطا فرما، ای فرو د آرند و قار و سکینه بر دلای اهل ایمان

خطابه

طرح ختم مفهومی قرآن با رویکرد خداشناسی و اسماء الحسنی

بیانات آقای اخوت در مراسم افطاری مدرسه حفظ

توحید؛ مهم ترین و مغفول مانده ترین موضوع زندگی انسان

یکی از موضوعات مهمی که شاید بتوان گفت مهم تر از آن در قرآن نیست، بحث توحید است. اساسا این موضوع، مهم ترین موضوعی است که خداوند از آن پرده برداشته و به عنوان غایت خلقت همه موجودات قرار داده است. یعنی اگر بخواهیم یک موضوع انتخاب کنیم که مهم تر از آن وجود نداشته باشد، بحث توحید است. همه می دانیم که ماه مبارک رمضان، حج بیت الله الحرام، نماز یومیه و... همه این موارد، بهانه و راهی هستند تا انسان بتواند خدای خودش را بهتر بشناسد.

در مورد ثواب روزه می گویند که خود خدا جزای آن است. یعنی هر کاری که سخت تر از آن وجود ندارد، مثل جهاد و روزه، ثوابش را خود خدا ذکر کرده اند.

موضوع توحید، موضوع خیلی مهمی است و اتفاقا جزو موضوعاتی است که ما کمتر به آن می پردازیم، یعنی حتی در مباحث نظری مان، خیلی به این موضوع نمی پردازیم. مثلا از خیلی چیزها حرف می زنیم؛ از سبک زندگی، تعاملات، روابط، اخلاقیات و... اما به حوزه توحید که می رسم، احساس می کنیم خداوند حقیقتی است که ما او را می شناسیم و احتیاجی به توصیف ندارد. در حالی که وقتی قرآن می خوانیم، می بینیم در هر صفحه ای بارها و بارها دلالت بر توحید آمده است. یا اینکه مثلا کمتر دیده ایم کسی بگوید من برای اینکه موحد شوم، برنامه مطالعاتی ریخته ام و یا در کتاب هایی که دارم تعدادی از آن ها راجع به خداست. خلاصه اینکه از بس با خدا خودمانی شده ایم، احساس می کنیم او را می شناسیم و احتیاجی به مطالعه در این باره نداریم. شاید هم به خاطر این باشد که خیلی از اوقات، کتاب ها یا حرف هایی که متناسب با ظرفیت ما باشد، گفته نشده است. در ایام ماه مبارک رمضان و لیالی قدر، با ادعیه این

مناسبت ها مانند دعای «یا علی یا عظیم»، دعای جوشن کبیر، دعای مجیر در ایام البیض مواجه می شویم ولی باز هم این دعاها به یک سری واژه و قواعدی که در ذهن می آیند و می روند تبدیل می شوند و به اندازه کافی دقت و تأمل روی محتوای علمی ادعیه صورت نمی گیرد بلکه نوعا خرج حوائجی می شوند که از خدا می خواهیم. یعنی دعا به عنوان متنی علمی برای اینکه خدا شناخته شود و وجوه مختلف توحید بر ایمان باز شود، خوانده نمی شود. این یک حفره و خلاء بزرگ در زندگی ماست که باید برایش فکری کنیم.

یک بسته مشخص برای این مسئله می خواهیم پیشنهاد دهیم به طوری که برای همه هم راحت باشد. از اول قرآن که ختم را شروع می کنید، یک دور قرآن را با این عنوان بخوانید که ببینید خدا خودش را چگونه معرفی کرده است؟ و نکات را یادداشت کنید. این موضوع سهل الوصول است، برای افرادی که حافظ هستند بین یک تا پنج ساعت و برای بقیه ۱۵ ساعت زمان می برد.

جستجوی موضوع توحید با رویکرد اسماء الله در آیات به طور مثال از سوره حمد شروع می کنیم:
«بسم الله الرحمن الرحیم»؛ خدا خودش را چگونه معرفی کرده است؟ اینکه هیچ کاری بدون اسم الله رحمن رحیم انجام نمی شود. اگر بآیه را بای استعانت در نظر بگیریم یعنی هرکسی باید با استعانت از اسم الله رحمن رحیم کارش را شروع کند، ادامه بدهد و تمام کند. «الحمد لله»؛ خدا حمد را مخصوص خودش کرده است. «رب العالمین»؛ الهی که رب العالمین است. «الرحمن الرحیم»؛ خودش را به رحمن و رحیم وصف کرده است.

پس خداوند با عناوین و کارکردهایی که برای خودش قائل است، خود را معرفی می نماید. مثلا یک بار فرموده بسم الله الرحمن الرحیم که خود را به اسم الله معرفی کرده است (چون الله و اسم الله دو معنی اند و یکی

نیستند. اسم، هم مخلوق است). یک بار اختصاصات خودش را می گوید مانند «الحمد لله». یک بار صفت خودش را می گوید، مانند «رب العالمین»، «الرحمن و الرحیم». یک بار صفات را تکی مطرح می کند، مانند «رب العالمین». یک بار دوقلو و جفتی مطرح می کند، مانند «الرحمن الرحیم». یک بار وصف می کند و وصف آن مربوط به تجلی در یک زمان خاص است، مانند «مالک يوم الدين».

به سوره مبارکه بقره می رسم. می توان آیات را خیلی جزئی نگاه کرد اما فعلا کلی مطالعه می کنیم و به آیات ۱۴ و ۱۵ می رسم: «وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَؤُنَ * اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ يَهْدِيهِمْ فِى طُغْيَانِهِم يَعْمَهُونَ». در آیه ۱۴ می فرماید که کافران وقتی با کسانی که ایمان آورده اند، ملاقات می کنند می گویند ایمان آورده ایم اما وقتی با شیطاين شان روبرو شوند می گویند «انا معكم انما نحن مستهزون» و خداوند می گوید که «الله يستهزئ بهم و يهدمهم في طغيانهم يعمهون». می بینیم خداوند یک سری کارهایی را که فکر نمی کردیم انجام دهد - مانند استهزای کافران - را به خودش نسبت داده است.

در انتهای آیه ۲۰ وصفی از قدرت خدا را می فرماید: «يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». نزدیک است که آن برق جهنده، روشنی چشمانشان را برباید؛ هر گاه بر آنها روشنی بخشد در آن روشنی راه روند و چون فضا بر آنان تاریک شود می ایستند؛ و اگر خدا می خواست شنوایی و بینایی آنها را از بین می برد، زیرا که خداوند بر هر چیزی تواناست.

در این آیه خداوند خودش را در لایه لای اتفاقات و رخدادهای روزمره نشان می دهد. همان اتفاقاتی که مشاهده اش برای ما خیلی ناگوار است. الان اگر در

صحنه‌های اجتماعی و زندگی یک منافق را ببینیم چقدر حاملان بد می‌شود؟! خدا همان جایی که حال همه بد می‌شود، خودش را معرفی می‌کند و این جزء عجایب قرآن است. یعنی انسان موحد در جایی که همه حالشان بد می‌شود، خدا را ملاقات می‌کند چون او قدرت خدا را می‌بیند. می‌بیند که منافق در هر حالتی نمی‌تواند خارج از اذن خداوند کاری بکند، پس معلوم می‌شود که این طراحی ساختاری که خدا کرده است، حکیمانه است. اگر خدا می‌خواست می‌توانست جلوی منافق را بگیرد و اگر الان قدرتی دارد، خدا به او داده است.

به همین صورت وقتی آیات را می‌خوانیم کم کم اوج و فرودهای آیات عجیب می‌شود. کافی است همان آیات و صحنه‌هایی که خداوند خود را در آن معرفی کرده است، جمع‌بندی کنیم.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (۲۱)؛ امر به عبودیت همان خدایی می‌شود که شما را خلق کرده است.

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فَرَاشًا وَالسَّمَاءَ بَنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (۲۲)؛ در این آیه خیلی توصیفی می‌شود. می‌فرماید: زمین را نگاه می‌کنی که خدا قرار داده، آسمان را می‌بینی که خدا بنا کرده و رزق را از آسمان خدا فرو فرستاده است. حال شما که خودتان می‌دانید، پس برای خداوند «ند» قرار ندهید. مشخص می‌شود همانطور که توحید انواع پیدا می‌کند، شرک هم تنوع دارد. یک نوعی از شرک را قرار دادن «ند» برای خدا معرفی می‌کند و می‌خواهد بگوید فکر نکنید که شبیه خداوند می‌تواند کارهایی را انجام دهد، نه نمی‌تواند. غیر

از خدا هیچ‌کس نمی‌تواند این کارها را انجام دهد. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَ مَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ﴾ (۳۶)؛ این آیه نیز توصیف خداوند است. وقتی قرآن را می‌خوانیم به این نتیجه می‌رسیم که هر خدایی در زندگی انسان اتفاق می‌افتد، چه خوب و چه بد، محل ملاقات با اسم یا وصفی از پروردگار است که اگر نتواند در آن رخداد و اتفاق، خداوند را ملاقات بکند، رخدادها یکی یکی می‌آیند و ضربه و نفع صوری خودشان را می‌رسانند اما برای انسان عائدی نخواهند داشت و بی‌نتیجه می‌گذرند. آیات دلالت‌های توحیدی بسیار بالایی دارند. یکی یکی که جلو برویم، مجموعه‌ای از آیات را می‌بینیم که ممکن است تحلیل‌شان برایمان سخت باشد. به همین خاطر به نظر می‌رسد اگر یکی از سوره‌های قرآن را انتخاب کنیم و رمز و رازهای آن سوره در حوزه اسماء را مطالعه نماییم، بهتر باشد.

کتابی با عنوان تدبر در اسماء^۱ هم موجود است. در آن کتاب، غور و تعمقی در انواع و اقسام حالاتی که اسماء الهی در قرآن گفته شده، صورت گرفته و جمع‌بندی‌های خاصی هم راجع به آن کرده است.

خودشناسی با خداشناسی از منظر پنج مولفه در سوره مبارکه توحید

مبحث اسم از نیاز در انسان شروع می‌شود، یعنی وقتی درباره خدا و توحید مطالعه می‌کنیم، در واقع بر روی خودشناسی کار می‌کنیم. وقتی می‌گوییم ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ یعنی انسان نیازمند قدرت است و کارش بدون قدرت راه نمی‌افتد. اگر می‌گوییم رحمن و رحیم، یعنی انسان نیازمند رحمت است، مرحوم است و باید به او رحم شود و دو مدل رحمت هم می‌خواهد. وقتی می‌گوییم ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾، یعنی نیاز در انسان وجود دارد که او را به حمد می‌رساند.

پس علت پدیداری اسماء الله، نیازهای انسان است و ما در واقع اسم خدا را نمی‌خوانیم بلکه خودشناسی می‌کنیم. هر چیزی که خداوند در حوزه خودش مطرح می‌کند به نوعی نیاز انسان است که در حوزه خداوند مطرح می‌شود. در واقع مهم‌ترین شکل خودشناسی، خداشناسی است. روایات بسیاری با این مضمون وجود دارد که «من عرف نفسه فقد عرف ربه» و یا بالعکس. در سوره مبارکه حشر می‌فرماید ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (۱۹) یعنی فراموشی خدا منجر به فراموش خود می‌شود. خودشناسی منجر به خداشناسی می‌شود و بین اینها ارتباطی وجود دارد. پس ما هر اسمی را که می‌خوانیم در واقع داریم کندوکاوی در خودمان می‌کنیم.

در بخش اسماء الحسنی کتاب مذکور، سوره توحید به عنوان شاخص بحث توحید مطرح شده است و پنج وصف اصلی خداوند یعنی احد، صمد، لم یلد، لم یولد، لم یکن له کفو احد را داریم که هر اسم و وصفی که در قرآن آمده است باید در این پنج مولفه ضرب شود. کار سوره توحید این است که هر اسمی از اسماء الله را پنج وجهی می‌کند، مثلاً خداوند

- رب العالمین است به وجه احدیت، یعنی تک است.
 - رب العالمین است به وجه صمدیت، یعنی ربوبیتش از وجه نیاز نیست.
 - رب العالمین است به وجه لم یلد، یعنی ربوبیتش به وجه خروج شئی از شئی نیست، یعنی چیزی را تولید نمی‌کند، چیزی را صادر نمی‌کند.
 - رب العالمین است به وجه لم یولد، یعنی از چیزی، چیزی را خلق نمی‌کند، یعنی فقط اراده‌اش منجر به جلوه‌گری می‌شود.
 - و رب العالمین است در حالی که کفوی برایش نیست.
- پس اگر کسی سوره مبارکه توحید را در نظام باوری خود

نداشته باشد، به هیچ‌وجه نمی‌تواند موحد باشد. باید هر صفتی که برای خداوند قائل می‌شویم را به وجه سوره توحیدی، قائل شویم. مثلاً خداوند مهربان است اما نه آن‌گونه که ما می‌پنداریم بلکه آن‌گونه هست، که هست (وجه احدیت)، خداوند مهربان است نه به‌خاطر اینکه نیازی از او برطرف شود و...

در واقع سوره مبارکه توحید مهیمن بر تمام اسماء و صفات و جلوه‌های خداوند در قرآن است.

بعضی آیات درباره خداوند به نحوی است که گویی شائبه زمان دارد. مثلاً در سوره مبارکه عنکبوت می‌فرماید ﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾ (۳) یعنی اتفاقی می‌افتد تا خداوند علم پیدا کند. سوال می‌شود آیا اینکه خدا می‌خواهد علم پیدا کند یعنی قبل علم نداشته و حالا می‌خواهد علم پیدا کند؟ جواب این است که باید سوره مبارکه توحید کنارش خوانده شود تا وقتی آیه‌ای چنین می‌گوید معلوم شود منظور آن علمی نیست که ما در ذهنمان داریم بلکه علم پیدا کردن خداوند به نحو احدیت است، یعنی هر کسی علم پیدا می‌کند زمانی جهل دارد و زمانی هم علم یافته است اما خداوند اینطور نیست. به وجه صمدیت، یعنی توپر است و جای خالی ندارد. وقتی علم پیدا می‌کند، کمالی در او ایجاد نمی‌شود و کمالی هم از او فوت نشده بوده که بخواهد به دست بیاید.

در واقع اگر سوره مبارکه توحید نبود، اصلاً توحید معنا پیدا نمی‌کرد. با سوره توحید می‌توان خداشناسی را از کودکی به بچه‌ها آموزش داد. بچه‌ها می‌پرسند خدا کیست؟ و هر صفت خوبی را می‌توانیم به خدا نسبت دهیم اما با وجه سوره توحید باید گفته شود. به بچه می‌گوییم خدا خوب است اما بعدش می‌گوییم نه این خوبی که ما فکر می‌کنیم بلکه یک خوبی‌ای که نظیر ندارد. همین که می‌گوییم یک خوبی دیگری هم هست، فهم تسبیحی در او شکل می‌گیرد.

اسماء الله وضع خاصی دارند و مفاهیم بعضی از آنها خیلی وسیع‌تر است. کار اهل بیت (علیهم‌السلام) در حوزه اسماء این بوده که اسماء الهی را احصاء کرده و در دعاهایشان آورده‌اند و به نوعی اسماء را در ادعیه تعریف می‌کنند. مثلاً می‌فرمایند ﴿حی لا تموت﴾؛ حی کسی است که مرگ در او راه ندارد، ﴿صادق لا تکذب﴾؛ صادق کسی است که دروغ در او راه ندارد، ﴿قاهر لا تقهر﴾؛ قاهر یعنی کسی که نمی‌شود بر او تسلط پیدا کرد، خالق کسی است که یاری از کسی نمی‌گیرد، قریب کسی است که دور نیست، قادر کسی است که ضد ندارد، غافر کسی است که ظلم نمی‌کند، صمد کسی است که نیاز به طعام ندارد، قیوم کسی است که خواب ندارد، مجیب کسی است که از اجابت خسته نمی‌شود، بصیر کسی است که به دودلی نمی‌افتد، عظیم کسی است که مورد سوء قصد

واقع نمی‌شود، قوی کسی است که ضعیف نمی‌شود، حلیم کسی است که به جهل مبتلا نمی‌شود و...

در روایت در مورد اسماء و صفات خدا مطالب زیادی داریم که بعضی از آن‌ها اصلاً قابل احصاء نیستند.

می‌خواهیم انگیزه‌ای در خودمان تولید کنیم که از همین الان یک دفتر باز کنیم، یا حتی در گوشه قرآن‌هایمان،

راجع به موضوع توحید به عنوان مهم‌ترین مسئله زندگی‌مان، هر مطلبی که می‌فهمیم را ثبت کنیم. نکات را یادداشت کرده و با خودمان مرور کنیم. زندگی خیلی نورانی می‌شود وقتی که یاد خداست و مطالبه اول آن، خودِ خداست. اصلاً دغدغه‌های انسان و فضای ذهنی‌اش فرق می‌کند. شیرین‌ترین زندگی از آن کسی است که در هر لحظه‌ی سختی یا راحتی، به یاد خدا باشد.

برای انجام منظم این مطالعه، یک راه این است که از قرآن توصیفات خداوند و دسته‌بندی آن‌ها را استخراج کنیم. یک راه هم این است که ببینیم در روایت چطور این تعریف و دسته‌بندی‌ها ارائه شده است. اگر دسته‌بندی آیات قرآنی را خودتان بکنید، می‌فهمید که چقدر روایات و دسته‌بندی‌های ائمه علیهم‌السلام بی‌نظیر است و قدرشان را می‌دانید، چون قبلاً انجام داده‌اید و هر کار کرده‌اید، نتوانسته‌اید دسته‌بندی کنید! این کار حداقل ۱۰ هزار ساعت زمان می‌برد. نمی‌گوییم نمی‌شود اما از روایات خیلی راحت به دست می‌آید. بعضی اوقات به دلیل اینکه حقایق به راحتی در اختیار ما قرار داده شده است، قدرش دانسته نمی‌شود.

در روایات معرفی اسماء الهی متناسب با نیازهای انسان آمده است. بالاخص در صحیفه علویه از این دست روایات بسیار است.

مدل دیگر معرفی اسماء الهی با رخدادهای مختلف صورت گرفته است. مواردی که انسان گیر می‌افتد و به بهانه آن گیر افتادن، داعیای ذکر شده است. بعضی‌ها می‌گویند کاش گیر می‌افتادیم تا می‌فهمیدیم خدا یعنی چه! حال بدون گیر افتادن، این کار را برپایمان کرده‌اند و خدا را در مناطق خاص معرفی نموده‌اند.

رویکرد پنج مرحله‌ای در خواندن دعای جوشن کبیر

جوشن کبیر از آن دعا‌های بی‌نظیری است که خداوند توفیق داده تا هزار اسم او را بخوانیم. مواردی ذکر شده که انسان بتواند ملاقات پروردگار را در هر لحظه داشته باشد. حال ما بایستی پنج باور به خداوند یا اسماء داشته باشیم:

۱. **استعاذه:** راه‌های تقویت باور نسبت به جریان اسماء در زندگی است. یعنی هر باور و عملی که بتواند انسان را از خطرات بی‌توجهی نسبت به اسماء مصون بدارد که در قرآن پناه یا عوذ گفته می‌شود باید در رابطه با اسماء مورد توجه قرار دهیم.

۲. **تسبیح:** هر باور و عملی که موجب شود انسان از سویی ساحت ربوبی را بدون نقص ببیند و از سوی دیگر ساحت خود را از نقص به سمت کمال بخواهد. یعنی زندگی را جوری ببیند که خودش را دارای نقص ببیند و خداوند را خدایی بداند که نقص ندارد.

۳. **تحمید:** هر باور و عملی که بتواند قدرت زیبا دیدن را به انسان بیاموزد و کمال‌بینی و کمال‌طلبی را در او تقویت کند.

۴. **تهلیل:** هر باور و عملی که بتواند توجه انسان را از غیر خدا سلب کند و تنها به خدا معطوف کند.

۵. **تکبیر:** هر باور و عملی که بتواند انقطاع انسان را به سوی خداوند کامل کند.

این پنج مرحله، مراحل هستند که مؤمن می‌تواند به اسماء نزدیک شود. مثلاً در هر فرازی از دعای جوشن کبیر که خوانده می‌شود، یک ترجیع‌بند گفته می‌شود: «سبحانک یا لاله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب»، که در آن «سبحانک» نماینده تسبیح، «یا لاله الا انت» نماینده تهلیل، «الغوث» نماینده عوذ در مقام باور، «خلصنا من النار» عوذ در مقام عمل و «یا رب» نماینده تحمید است.

یعنی هر کدام از اسمائی که در جوشن کبیر گفته می‌شوند، یک‌بار از دید عوذ به آن نگاه می‌شود، یک‌بار از دید تسبیح، یک‌بار از دید تهلیل، یک‌بار از دید حمد و

یک‌بار از دید تکبیر.

مثلاً در فراز «اللهم انی اسئلك باسمک یا الله...»، الله به عنوان پناهگاه، الله با این دید که نقصی در او راه ندارد (سبحان الله)، الله از حیث کمال (تحمید)، الله از این منظر که کسی غیر خدا نیست (تهلیل) باید مدنظر قرار گرفته شود.

پس هرکدام از اسماء الهی پنج حالت پیدا می‌کنند که اگر کسی خواست به آن اسم پناه ببرد، استعاذه می‌شود. اگر خواست آن اسم را بری از نقص بداند، تسبیح می‌شود. اگر آن را دارای کمال بداند، تحمید می‌شود. اگر هیچ الوهیت و مقامی برای غیر او قائل نشود، تهلیل می‌شود و اگر فقط او را ببیند و دیگر هیچ، تکبیر می‌شود. مقام تکبیر انقطاع صرف به آن اسم است.

این مراحل، صرف مسائل نظری نیست بلکه درجات انسان به واسطه همین مراحل و با هم اسمی ارتقاء پیدا می‌کند.

ان‌شاءالله خداوند توفیق دهد که احیای اسماء الهی را در دستور کارمان داشته باشیم. کار کردن بر روی اسماء، حفظ قرآن را تقویت می‌کند، همچنین افراد و قدرتشان را در عالم تقویت می‌کند. کار کردن روی اسماء، سیطره روی عالم می‌آورد. آن‌هایی که دخل و تصرف در عالم می‌کنند بر اساس نظام اسماء می‌کنند.

پیشنهاد بنده به دوستان این است که روی بحث اسماء و صفات خدا در قرآن یک تمرکز ویژه داشته باشند به این نحو که بتوانند بیان کنند مثلاً معرفی خداوند در سوره حمد با معرفی خداوند در سوره بقره چه تفاوتی دارد. اگر کسی حافظ کل باشد، احتمالاً این بخش از فهمش معادل همه فهمی است که از قرآن داشته است، یا شاید هم بیشتر.

ان‌شاءالله خداوند توفیق همه ما را در انس با قرآن و آیات توحیدی و موحد شدن زیاد کند، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

۱. احمد رضا اخوت، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت علیهم‌السلام

خصوصیات درک شب قدر

گزیده نکات از بیانات آقای اخوت

لزام برنامه‌ریزی از قبل جهت درک شب قدر

شود را تهیه می‌کنیم. برنامه کارهایی که در طی یک سال باید انجام دهیم را از الان شروع به تدوین می‌کنیم، در شب قدر آن را بررسی کرده و اولویت‌بندی می‌کنیم. یکی از خصوصیت‌های شب قدر این است که برای کسی که درکش کند، نشانه دارد. اولین نشانه آن، حسی است که نسبت به حضرت صدیقه کبری علیها‌السلام در انسان فعال می‌شود. حس فرد عجیب می‌شود و حسی است که او را از گناه باز می‌دارد، مثلاً کارهایی قبلاً می‌کرده و از پشیمان برنمی‌آمده اما دیگر این حس می‌تواند او را نگه دارد. دومین نشانه احساس سربازی برای امام زمان علیه‌السلام است. فرد احساس می‌کند کارهایی که انجام می‌دهد به نوعی زیر نظر و تحت ولایت است. پس محبت باید به سمت

خوب است انسان هر ماهی که بر او می‌گذرد را در یک امر شاخص کند و بعد آن موضوع را ارزیابی نماید. برای ماه مبارک رمضان امسال، به نظر می‌رسد خوب است موضوع شب قدر را شاخص کنیم. از همین ابتدای ماه مبارک، کاری کنیم که برای شب قدر دست‌پُر داشته باشیم. یعنی هر کاری می‌کنیم، به نحوی باشد که در آن شب از آن بهره ببریم. این روش، یک مدل برنامه‌ریزی است که از الان برای زمانی که بعداً خواهد آمد، برنامه‌ریزی می‌کنیم. مثلاً یک فهرست از باورهایی که باید اصلاح شود، از صفاتی که باید در شب قدر پیرایش شود، همچنین برنامه سالانه‌ای که باید در شب قدر امضا

سمت توجه به حضرت بقیة الله علیه السلام برود.

برای این موضوع، هر کسی باید سهم سالانه کارهایش را تعیین کند، یعنی چه کارهایی را در سال آتی پیش‌بینی می‌کند که بتواند انجام دهد؟ بد نیست این موضوع به عنوان یک سوال از اول ماه مبارک رمضان تا عید فطر مدنظرمان باشد که «برای درک شب قدر، قبل از شب قدر، چه کارهایی را می‌توانیم انجام دهیم؟» و این سوال مبنای نوشتن متن‌ها و انجام کارهایمان باشد.

هرچه عالم به سمت طغیان و فساد پیش می‌رود، باید مؤمنین کفه شب قدر را سنگین‌تر کنند تا موازنه‌ای در عالم وجود داشته باشد.^۱

خروج از فردیت؛ نشانه درک شب قدر

این خصوصیت درک شب قدر به اُمت شدن و خارج شدن از لاک فردیت و منیت است. هرکسی باید احساس کند مانند قطره‌ای وارد اقیانوسی شده است، یعنی خودش تک نیست و اقیانوس است. وقتی انسان از فردیت خارج می‌شود اولین اتفاقی که برای او می‌افتد این است که مقدرات او و مقدرات امام یکی می‌شود و می‌تواند دعاها را بلند بخواند. انسان وقتی تک است، برای خودش خیلی چیزها را می‌خواهد و فردیتی در اوست که نمی‌تواند دعاها را بلند داشته باشد و اگر هم دعا را بلند کند، به خودش نهیب می‌زند که مگر تو انقدر عمل داری که چنین داعی می‌کنی؟! اما وقتی فرد وارد اُمت می‌شود، برای اُمت هرچه بخواند می‌تواند دعا کند.

در چنین وضعیتی اگر خیر و موفقیتی برای فرد تحقق پیدا کند، فکر نمی‌کند مال خودش است، بلکه آن را مال اُمت می‌داند. اگر استعدادی در فرد شکوفا شد، آن را نذر اُمت می‌کند. منیت‌ها کامل از بین می‌رود و فرد برای دیگران می‌شود، حال می‌خواهد در مقامی بالا باشد یا پایین. حتی

اگر پایین‌ترین فرد هم باشد، باز هم به درد می‌خورد چون در اُمت هرکسی جایگاهی دارد. در قاعده اُمت اگر کسی ضعف استعداد و ناتوانی داشته باشد، هیچ اشکالی ندارد چون در اُمت احتیاج به همه جور آدمی هست.

دومین خصوصیت شب قدری که به صورت اُمت درک شود، این است که برنامه‌هایی که انسان برای خودش در سال تدوین می‌کند، دیگر برنامه‌های فردمحورانه نیست، یعنی حتما در آن انقلاب کردن، انقلابی بودن، مجاهد بودن، جهاد کردن و جمع تشکیل دادن هست. فرد در هر جایی که باشد، آن را تبدیل به جمع می‌کند.

مثلاً فرد می‌گوید می‌خواهم نظام مشاوره، روان‌شناسی، شخصیت‌شناسی، استعدادشناسی را در دنیا تغییر دهم. پس نسبت به یک برنامه فردی، نظام گفت‌وگویی و برنامه‌ها نیز تغییر خواهند کرد.

نگاه‌های فردی ما باعث می‌شود ده سال هم که بیایم، باز همین تعداد بمانیم. اما اگر نظام جمعی باشد، هر کس به تعداد پنج تا ده نفر انشعاب پیدا می‌کند.

در شب قدر جمعی به سبک اُمت، برنامه‌ریزی‌های فردی به سمت برنامه‌ریزی‌های جمعی سوق پیدا می‌کند. یعنی هرکس در هر کاری که برنامه می‌ریزد، به علمی که تکثیر می‌کند و می‌تواند تغییرات ایجاد کند، پیش می‌رود.

نشانه درک شب قدر به سبک اُمت این است که فرد از نظام فردی خارج شده و به نظام جمعی وارد می‌شود.^۲

۱. ایراد شده در تاریخ پنجشنبه، ۲۷ اردیبهشت ۹۷ (صحبت‌های بعد از نماز ظهر و عصر)

۲. ایراد شده در تاریخ دوشنبه، ۷ خرداد ۹۷ (کلاس پژوهش علوم انسانی)

تک خوسه

شب قدر، چه شبی است؟

برگرفته از جلسات خانوادگی با تدبیر در سوره مبارکه عنکبوت



- شب قدر، شب فهمیدن توحید است.
- شب قدر، شبی است که قصد می‌کنیم شیعه شویم و همراه امام باشیم.
- شب قدر، شبی است که مقدرات خودمان را با مقدرات امام زمان علیه السلام پیوند می‌زنیم.
- شب قدر، شبی است که باید فکر کنیم به دلیل وجود امام و تنزل ملائکه بر قلب انسان کامل، چه اتفاقات مهمی باید برای ما بیافتد؟
- شب قدر، شبی است که باید در آن، فهرستی از کارها و برنامه‌های مستمر جهادی‌مان را تهیه کرده و به بررسی آن‌ها پردازیم.
- شب قدر، شبی است که انسان می‌تواند امید به لقاء خدا را در خود زیاد کند.
- شب قدر، شبی است که برای درکش بایستی کار علمی کرد. راجع به شب قدر، ... باید بدانیم.
- شب قدر، شبی است که قرب به خدا را به وسیله علم، کتاب خوب، دوست خوب و ... می‌خواهیم.
- شب قدر، شبی است که انسان‌ها با ولی‌شان، برای از بین بردن طاغوت عهد می‌بندند.
- شب قدر، شبی است که انسان جز برای تشکیل حکومت دینی و نابودی طاغوت، داعی نداشته باشد.
- شب قدر، شبی است که انسان اگر خودش را کنار بگذارد و جمع‌خواه شود، مقدراتش با مقدرات امام یکی می‌شود.

یادداشت ادبی

مادر قدر شناس

در شأن حضرت زهرا علیها السلام و لیلة القدر



و تو چه دانی که شب قدر چیست... در همه مراتب و در همه زمینه‌ها... قابل درک نیست برای حواس که چگونه یک انسان می‌تواند تنها غذا خود را پس از یک روز تحمل گرسنگی به فقری بدهد که صدایش را می‌شنود... برای حواس انسان قابل درک نیست که چگونه انسان می‌تواند جامه‌ای به سر بکشد و در جایی بخوابد که میدانند با شمشیر به سراغ خواهند آمد... برای حواس انسان قابل درک نیست که چگونه در خانه‌ای باشی که همسرت در کنار تو مسمومات کند... برای انسان قابل درک نیست که قلبی بتواند شب دهم را تاب بیاورد... ای لیلة قدر! مادر تمام خوبیها! لولای در آسمان بروی زمین! وسیطه‌ی خیر! اگر شما نبودید گل‌ها باز نمی‌شدند، ماهی نفس نمی‌کشید، گوش و زبان به کار نمی‌افتاد... حیات از وجودتان آب می‌خورد... ای کاش به اندازه تمام گرفتگانی که آزادشان کردید، شفیع‌مان باشید در فقره جدایی از نار، پشیمانی، حرمان، غصه، رنج، دست حسرت گزیدن، دستان از دامان نعمت کوتاه ماندن، نرسیدن... چقدر نرسیدن سخت است، البته از نرسیدن برای شما گفتن، حکایتی است که باید گفت... پیش پای به چراغ تو ببینم چه شود...

با علاء الدین ایبیطالب^(ع)

توبه مولایت چه می‌مانی بگو؟

بازخوانی سبک زندگی امیرالمؤمنین علی (ع) با
سوالاتی که دغدغه امروز خیلی‌هاست.

یک شب هم هزار شب می شود

اگر کمی تأمل کنیم میتوانیم شباهت شب قدر و قیامت را احساس کنیم. شب قدر مانند روز قیامت است که سرنوشت آدم‌ها مشخص می‌شود، تمام گذشتهٔ انسان محاسبه و برای آینده برنامه‌ریزی می‌شود، با این تفاوت که عذاب در کار نیست و آبروی کسی نمی‌رود و پس از آن فرصت بازگشت هم وجود دارد، اما رحمت خدا از سر و روی عالم می‌بارد. خدای مهربان شب‌های قدر را برای جبران همهٔ کاستی‌های ما قرار داده است، برای بخشش هیچ گناهی ناامید نباشیم و برای رسیدن به هر حاجتی امیدوار باشیم و در دعا به کم قانع نشویم. خدا هرچه را صلاح نباشد بدهد بهترش را خواهد داد، و هیچ دعایی دور ریخته نمی‌شود و اگر توانستیم فقط خود «او» را از او بخواهیم.

مؤمنان مانند گنه‌کاران با دست‌های خالی به محضر خدا بروند و گنه‌کاران مانند مؤمنان با قلبی مطمئن به محبت و فضل خدا به دعا پردازند. خدا اگر می‌خواست نبخشد، ما را صدا نمی‌زد و اگر می‌خواست سخت بگیرد، ثواب شب قدر را اینقدر بالا نمی‌برد. برای دیگران دعا کنیم و دوستانمان را تک تک نام ببریم و محتاجان به دعا را فراموش نکنیم. وقتی خدا محبت ما را به دیگران ببیند، بیشتر به ما محبت خواهد کرد. دل‌هایمان را از کینه‌ها خالی کنیم و همدیگر را در دل ببخشیم تا خدا

هم با سهولت بیشتری ما را ببخشد. خود عافیت و معیشت خوب طلب کنید. مؤمنین باید بتوانند از زندگی خوب برخوردار باشند تا در اثر فقر و تنگی معیشت به گناه نیفتند و از ذکر خدا غافل نشوند. در همین جا برای نابودی مستکبران عالم که فقیرسازان جهانی هستند نیز دعا کنید. از هر ذکر و دعایی که بیشتر دلتان را به خدا متوجه می‌کند استفاده کنید و متن‌هایی که می‌تواند احساس عالی و اشک جاری به شما بدهد را در نزد خود بخوانید، اگر چه اشک شرط مطلق استجابت نیست، اما بهترین شرایط استجابت را فراهم می‌کند. شبهای قدر که شب تولد ثقل اکبر و قرآن کریم است، خوب است قدری قرآن بخوانیم و جرعه جرعه آیاتش را بنویسیم. یکی از بهترین صورت‌های قرآن خواندن، قرائت قرآن در نماز است؛ از این مؤدبانه‌ترین حالت قرآن خواندن غفلت نکنیم. اگر حفظ نیستیم، می‌توانیم از رو بخوانیم. بخش دیگری از فرصت تفکر، که از بالاترین عبادات است، را برای اندیشیدن دربارهٔ امیرالمومنین (ع) و رنج‌های او اختصاص دهیم و سعی کنیم لحظه‌ای آن شخصیت مظلوم و محبوب پیامبر اعظم (ص) را از نظر دور نکنیم، رنج‌هایش را ذکر کنیم، غمش را در دل بپرورانیم، دور خانه‌اش پروانه‌وار بگردیم و تمام شب قدر را کنار فرزندان داغدار او عبادت کنیم. لحظه شب قدر را پاس بداریم و از ابتدای شب خود را در محضر حضرت ولی عصر (ع) و در بارش رحمت خدا ببینیم. شبهای قدر تابستان کوتاه است. با کمتر غذا خوردن، آمادگی

خود را برای بهره برداری بیشتر کنیم. اگر شب نوزدهم را بیشتر برای توبه وقت می‌گذاریم و شب بیست و یکم را به دعا و عرض حاجت می‌پردازیم، بیایید شب بیست و سوم را به دعا برای نجات بشریت و ظهور مولای عزیزمان اختصاص بدهیم. از خانه برای او که صاحب خانه است خارج بشویم و زمان شب قدر خود را برای امام زمان (عج) بگذاریم، تا بتوانیم بگوییم «یا بن الحسن ما بهترین اوقات خود را به تو اختصاص دادیم تو هم بهترین دعا‌های خود را به ما اختصاص بده.» وقتی برای ظهور با تمام وجود دعا می‌کنی، این امام زمان (ع) است که برای تو دعا می‌کند، وقتی برای غربت او اشک می‌ریزی، آقای شما برای رنج‌های شما اشک می‌ریزد. وقتی در آسایش هستی و برای رنج مظلومان و محرومان عالم دعا می‌کنی، ملائکه به وجود تو افتخار می‌کنند. در خاتمه برای ختم بخیر شدن خود دعا کنیم؛ اگر کسی مایل بود برای «شهادت» خدا را التماس کند. دعا برای شهید شدن عمر کسی را کوتاه نمی‌کند، تنها بر معنویت و قدرت روحی افراد می‌افزاید و انسان را به سیدالشهدا (ع) نزدیک می‌کند. راستی اگر کسی توانست، هر شب به زیارت اباعبدالله الحسین (ع) برود و اگر نتوانست، از راه دور سه بار بگوید «صلی الله علیک یا اباعبدالله»، ثواب زیارت را به او خواهند داد. برای تمام شهیدان به‌ویژه شهدای قهرمان مدافع حرم درود و فاتحه بفرستیم که حیات و امنیت ما مدیون آنهاست.



عطار نیشابوری

فریدالدین ابوحامد محمد عطار نیشابوری مشهور به شیخ عطار نیشابوری (۱۱۴۶م/۵۴۰ق - ۱۲۲۱م/۶۱۸ق) یکی از عارفان، صوفیان و شاعران ایرانی سترگ و بلندنام ادبیات فارسی در پایان سده ششم و آغاز سده هفتم است. او در سال ۵۴۰ هجری برابر با ۱۱۴۶ میلادی در نیشابور زاده شد و در ۶۱۸ هجری به هنگام حمله مغول به قتل رسید.



ارتش

۲۹ فروردین، روز ارتش
جمهوری اسلامی ایران
بر دلاورمردان عرصه جهاد گرامی باد.